

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

محسن رضوانی  
۲۸ دسمبر ۲۰۱۸

## به پیش در راه

به پیش برای جلب نظر اکثریت عظیم مردم ایران به راه کارگران، به راه دموکراسی و اداره شورائی  
صد سال مبارزه طبقه کارگر برای عملی کردن برنامه سیاسی اش که همان سوسیالیسم است امروز تبلور خود را در  
اعتصابات و اعتراضات عمومی کارگران و هر چه بیشتر در شعار های جنبش های توده ئی دیده می شود.  
صد سال مبارزه طبقه کارگر ایران با خاستگاه های متفاوت ملی و مذهبی و دینی، در صفی متحد با تمام سختی ها و  
بغرنجی ها، بارور می شود. در عین حال جهشی است تاریخی در جنبش چپ و کمونیست ایران که چنانچه یکی شود و  
از فرقه گرائی دست بردارد بی شک امکان می یابد که به عنوان بدیلی کارگری در صحنه سیاسی کنونی که براندازی  
رژیم جمهوری اسلامی در دستور عملی اکثریت عظیم مردم قرار گرفته است، به تسلط طولانی بورژوازی ایران که  
چرک و خون از پنجه هایش می چکد، خاتمه دهد.  
در این صد سال طبقه کارگر و حامیان آن همیشه در مبارزه علیه طبقات حاکم استثمارگر بوده است. در اینجا گذرا روی  
سه امر سازماندهی اساسی که همچنان جزو ضروریات هستند انگشت می گذاریم :

۱- صد سال سازماندهی سیاسی برای ایجاد حزبی از نوع بلشویکی

۲- صد سال مبارزه برای سازماندهی تشکیلات مستقل کارگری به دور از سرمایه داران و تشکیلات وابسته به سندیکا  
های دولتی و امپریالیستی

۳- صد سال تلاش برای ایجاد وحدتی میان توده های وسیع استثمار شده و ستم دیده، ایجاد اتحادی شکست نا پذیر میان  
کلیه مزد بگیران و برقراری کشوری شورائی

در این صد ساله تغییرات بس بزرگی در جهان، منطقه و ایران به وجود آمده است. جنگ هائی بس سهمگین بر اثر  
رقابت سرمایه داری و انحصارات بر پا شده، انقلاب هائی به پیروزی رسیده و شکست خورده و نظام سرمایه داری  
همچنان به گسترش و جهان گرائی خود ادامه داده است. نتیجه این صد سال تغییر و مبارزه را می توان چنین بر آورد  
کرد:

### در جبهه سرمایه :

انباشت سرمایه همچنان با استثمار بیشتر کارگران و باغارت بازهم بیشتر کشور های پیرامونی در افریقا، آسیا و  
امریکای لاتین ادامه یافته است و امروز سرمایه مالی در رأس کل نظام سرمایه انحصاری جهانی نشسته است.

## در جبهه کارگری :

قوانین آهنین نظام سرمایه داری همچنان در کار بوده و با هر گام تجاوزگر سرمایه، گورکنان خود را به وجود آورده است. امروز اکثریت عظیم مردم جهان به بردگان سرمایه در مؤسسات پیشرفته کار با تنوع های گوناگون در خدمت سیاست های جهانی سرمایه مالی مشغول اند. تمرکز تولید از بخش شمالی کره زمین به نیمه جنوبی آن منتقل شده است اگر جنوب آسیا، چین، هند، بنگلادش، پاکستان، ایران، ترکیه و مصر را به یک کمر بند متصل کارگری به شمار آوریم بزرگترین تمرکز نیروی کار به وجود آمده است.

در این صف آرائی طبقاتی جهانی کی بر کی است و چگونه در این جهان سراسر پر ز آشوب که سرمایه داری انحصاری مالی به وجود آورده و بحران ساختاری اش هر روز عمیق تر و شکننده تر می شود باید برای تغییر و به سرانجام رساندن رسالت تاریخی و انقلابی پرولتاریا کار کرد. آیا همچنان این میلیاردها انسان تولید کننده، به زندگی خفت بار خود ادامه خواهند داد؟ آیا این رقابت گنج کننده میان قدرت های بزرگ و قدرت های نیمه بزرگ و کوچک که برای سهم بیشتر روی صحنه سیاسی منطقه ئی آمده اند و بر اثر ضعف نسبی خود مجبور اند در جدال های جهانی خود را به این یا آن ابر قدرت بچسبانند جنگ دیگری را بر پا خواهند کرد؟

پاسخ به پرسش ها طبعاً طبقاتی است و هر طبقه ای طبق منافع، جهانی، سبک کار خود به این واقعیات پاسخ خواهد داد.

ترمپ همچنان بر این باور است که نژاد سفید و دین مسیح با فرقه اوانگلیش آن رسالت برتری بر جهان را بر عهده دارد و سرمایه همراه آن می تواند یک امریکائی برای همیشه بر تر در جهان به وجود آورد و قرن بیست و یکم هم مثل قرن بیستم، قرن امریکا باشد. در برابر این تعرض اروپا، روسیه و چین مقاومت می کنند.

در منطقه ستراتیژیک ما هم این رقابت ها بازتابی شکننده تر داشته و ویرانی عظیمی را در سراسر منطقه به وجود آورده است. خامنه ای، اردوخان و سلمان هم که مدعی صاحبان تاریخ امپراتوری های دوران باستان و قرون وسطائی اند این روزها خلیفه گری بر جهان پهناور اسلامی را طلب می کنند و خیزش سرمایه داری تازه پا گرفته کشور های خود را در زیر پوشش اسلامی به جلو می رانند و ما شاهد سیاست های ارتجاعی قرون وسطائی داخلی این حاکمان هستیم و تجاوزگری در بیرون مرزهایشان. عملکردی که توده های وسیع مردم را علیه شان شورانده و در ایران به طور آشکار آن را مشاهده می کنیم. از دید طبقاتی و از منافع طبقه کارگر چون نیک بنگری اوضاع تغییر یافته با تمام این که همان وظایف باقی مانده اند خوبست و شرایط برای تحقق آنها بهتر شده است. اوضاع خوب است و هر روز به سود توده ها بهتر می شود. دوران تاریخی انقلابات کارگری همچنان باقی مانده است و وظیفه بشریت متری تحقق این رسالت طبقاتی کارگریست که نظام سراپا جنایت سرمایه را از بیخ و بن و در سراسر جهان بر اندازد و طبق شرایط مشخص هر کشور، هر ملت و هر قومی دنیائی بدون ستم، تبعیض و استثمار انسان از انسان بر پا سازد. باید بار دیگر آرمان خواهی انقلابی را همراه با تجربه صد سال گذشته زنده کرد و علیه نفی گرائی خرده بورژوائی سست بنیاد که با اولین مشکلات به کل جنبش پشت و روش انحلال طلبی و فرد گرایی را پیشه کردند، قاطعانه مبارزه کرد.

در این اوضاع خوب چه باید کرد پاسخ همان است که کمونیست ها در اولین جلسه حزب کمونیست ایران صد سال پیش دادند. **حزب، تشکیلات مستقل سراسری کارگری و ایجاد وسیع ترین اتحاد توده ئی**

**یکم:** باید ایجاد یک ستاد نیرومند پیشرو پرولتاریائی را در مرکز وظایف قرارداد آن را با وظایف ضروری دیگر که به این امر خدمت می کند تکمیل کرد. صد سال مبارزه متشکل کارگران ایران و انقلابیون سوسیالیستی و کمونیستی

شرایط را برای به سرانجام رساندن چنین وظیفه ای، بس فراهم ساخته است. پرولتاریای پیشرو ایران در این صد ساله تجارب زیادی را در مبارزه با دشمنانش به دست آورده است. از لحاظ خط مشی در درونش مبارزه ایدئولوژیک لا ینقطع ادامه داشته. از لحاظ راه وروش مبارزاتی چون با دشمنان قهار و سرکوبگری رو به رو بوده، در جریان مبارزه درس آموخته است. پرولتاریای ایران از اولین طبقه ای بودند که در بیرون از اروپا حزب کمونیست خود را به وجود آوردند، موفق شدند در همان آغاز ستون فقرات حزب را در میان کارگران بنا نهند و در اتحاد با دیگر نیرو ها اولین قدرت سیاسی شورائی را در گیلان بر پا سازند. سازمان نیرومند مخفی افسری در ارتش ایران یکی از نادرترین سازماندهی های کمونیست ها در جهان در زمان خود بوده است. در این صد سال هیچ جنبشی را نمی توان از میان نیروهای مترقی نام برد که چپ ها در بیرونش نشسته باشند. پراکندگی نیروهای چپ و کمونیست در عین حال که یکی از ضعف های این جنبش به حساب می آید ولی حکایت از قدرت آنهم هست که با تمام سرکوب های طولانی، با تمام پشتیبانی های ضد کمونیستی جهانی حکومت های ایران، با تمام انشقاق های بزرگ در جنبش کارگری جهان امروز ده ها حزب و سازمان چپ و کمونیستی فعالانه به اشکال مختلف در فعالیت اند و با فرو ریختن دیوار برلین بازم چپ و کمونیست های ایران با جمعیندی با درایت تر از گذشته به مبارزه ادامه می دهند. بی شک با رشد مستقل جنبش کارگری و آبدیده شدن نیروهای جوان کارگری در مبارزات عملی، نقش خود طبقه در از بین بردن این پراکندگی ها هر روز بیشتر می شود و فعالان کارگری و پیشروان آگاه کمونیستی در جنبش کنونی کارگری بر خواهند خاست و ایجاد زمینه های یکی شدن نیروهای پراکنده کنونی به این کمبود و منفی جنبش پاسخ خواهند داد. در صفوف کارگران شاهرخ زمانی ها در حال بر خاستن اند. نوشته های او اساس یک حرکت متشکل کننده و وحدت طلبانه است. بر همه تشکل های موجود که رو به طبقه کارگر ایران دارند واجب است امر یکی شدن در حزبی واحد براساس پراتیک به روز خود طبقه کارگر ایران که شاهرخ نمونه خوبی است هر روز بیشتر مورد توجه قرار می گیرد. شاهرخ زمانی با تمام مشکلاتی که در زندان داشته با خون خود نکات اساسی یک پلاتفرم وحدت را نوشته و جان خود را در این راه فدا کرده است. دوران تشکیلات جبهه واحدی و ژله ئی چپ و کمونیستی به پایان رسیده است دیگر با تشکیلات موزائیک و ژله ای نمی توان به وظایف سنگین طبقاتی جاری که طبقه کارگر و توده های وسیع مردم ایران با آن روبه رو هستند بدرستی پاسخ داد. کمونیست ها یکبار در سال ۵۷ بر اثر پراکندگی و اختلاف از دشمنان طبقاتی خود ضربه خوردند و اینبار باید از آن درس بگیرند و در انقلاب در حال جاری شدن متحداً شرکت کنند. هیچ منافعی نباید جلو این وظیفه سترگ طبقاتی را بگیرد. رشد عظیم جنبش طبقه کارگر ایران ضرورت این یکی شدن را دوچندان کرده است. در این چند ماه اخیر ما شاهد نقش منفی برخی گرایش های سیاسی گوناگون در تشکل های چپ در مبارزات کارگری بوده ایم.

**دوم:** وظیفه بالا تنها با پیشبرد وظایف ضروری دیگری است که تکمیل می شود و در عمل قابل تحقق می باشد. جنبش کارگری کنونی بستر اساسی حزب سازی و ایجاد حزب یکی شده کمونیستی است که در کوران همین مبارزه تکامل می یابد و آبدیده می شود. کادر کمونیستی را در همین جنبش است که می توان پروراند. بنابراین بسط و توسعه جنبش کارگری، تلاش همه جانبه برای وحدت تشکل های مستقل کارگری وظیفه ایست در مقابل همه چپ و کمونیستها. این دریای عظیمی است که چپ و کمونیست ها باید شناکردن را بیاموزند. بدون وجود کادر های کارگری به عنوان استخوانبندی تشکیلات کمونیستی تحت شرایط سخت کنونی ضد کمونیستی در ایران نمی توان به بقای تشکلات سیاسی درون جنبش کارگری اطمینان یافت. باز هم ما در اینجا با آموزش های مشخص شاهرخ زمانی روبه رو هستیم که خود در پراتیک توانسته بود کارمخفی حزب سازی را با کار علنی توده ئی در تشکلات کارگری تلفیق دهد. امروز ما در

ایران خوشبختانه به دلیل پافشاری و از خود گذشتگی های فعالان کارگری، آگاهی بالای آنها از بغرنجی مبارزات طبقاتی جاری و پیروی از سبک کار طبق شرایط کنونی ایران و مهمتر توانائی در درک واقعی توازن قواء در صحنه مبارزه این جنبش همچنان در حال گسترش و رشد است و به منبع الهام و نیرو برای کمونیستها است.

**سوم:** اتحاد، همبستگی و همسوئی کلیه نیروهائی است که می توان به گرد برنامه سیاسی طبقه کارگر جمع کرد. این کار با این که تنها باوجود یک حزب متحد و متشکل انقلابی پیشرو طبقه کارگر امکان پذیراست اما تجربه نشان داده است که کمونیستها در همان گام های نخستین خود باید از جهانیابی کمونیستی حرکت کنند و اصل اساسی ماتریالیسم دیالکتیک را در سرلوحه کار قرار دهند: توده ها سازنده تاریخ اند. اتحاد بزرگ و عظیم توده های وسیع مردم. امروز ما در ایران یکی از جنبش های وسیع و متشکل توده ئی با تنوع زیاد داریم. از صف محصلان تا صف معلمان، از تشکل های شاعران و نویسندگان تا نهادهای همبستگی با زلزله زده زندگان، از بازنشستگان تا بیکاران. خیزش عظیم زنان چنان قدرت مقاومتی را به وجود آورده که همه جا زنان در پیشاپیش مبارزات قرار دارند. زنان هفت تپه انسان را به یاد رشادت کارگران قیام کمون پاریس و اعتصاب زنان شیکاگو می اندازد. توده ها آزادی، نان، کار، اداره شورائی و استقلال می خواهند. درست در این جبهه است که توده های عظیم مردم طبقه کارگر و حزب سیاسی آن را در عمل محک می زنند و آزمایش می کنند. در اوضاع کنونی بورژوازی و خرده بورژوازی ایران انواع بدیل ها را برای کسب قدرت مطرح کرده اند و با توجه به امکانات مالی و پشتیبانی دستگاه های امنیتی کشور های امپریالیستی توده ها دقیقاً نمی دانند کدام یک از این بدیل ها پس از براندازی رژیم اسلامی به سود آنهاست. هنوز به خاطر این که مبارزات طبقه کارگر پراکنده و اساساً روی در خواست های مشخص صنفی است نمی توان از یک مشی کارگری به عنوان بدیل سیاسی برای انقلاب کردن حرف زد. بدون رشد و تکامل جنبش کارگری و به ویژه ایجاد پیوند جنبش پراکنده چپ و کمونیستی با مبارزات جاری طبقاتی و ارتقای سطح آن به سطح یک بدیل سیاسی انقلابی نمی توان به پیروزی بدیل چپ اطمینان یافت.

#### بر ماست یکی شویم

بر ماست تا آخر از بسط و گسترش تشکلات کارگری دفاع کنیم

بر ماست برای ایجاد وسیع ترین نیروهای توده ئی مبارزه کنیم